

## خانه سالمندان - تجربه‌ای ناموفق

بررسی مسائل بزرگ اجتماعی بمنظور آگاهی از نحوه تکوین و شناخت جهات مختلف آنها در عصری که بدوران پیش بینی و آینده نگری معروف است قدم مهمی در جهت یافتن راه حل‌های منطقی آن مسائل است .

اگر مشکلات مربوط به سالخوردگی جمعیت و رفاه پیران در مناطق پیشرفته امروز یکی از معضلات بزرگ اجتماعی شده و اقدامات وسیعی که فعلاً در این راه صورت می‌گیرد به نتیجه دلخواه نرسیده است علت این است که مغرب زمین در هنگامی که سرگرم و سرمست توسعه سریع اقتصادی بود ، از توجه به مسائل اجتماعی غافل ماند و همگام با پیشرفت‌های مادی به چاره جوئی در برابر برخی از مسائل بنیادی که بظاهر کوچک و ساده می‌نمود برنخاست چون این مشکلات بزرگتر شد و چهره واقعی خود را نشان داد دیگر فرصتی برای چاره‌اندیشی نماند در نتیجه امروزه در مرفه‌ترین کشورهای جهان مسائلی از قبیل سالخوردگی جمعیت ، مسکن پیران ، تضاد بین نسل‌ها ، بازنشستگی ، آزادی در کار یا جلوگیری از کار پیران ، از

هم‌گسیختگی علقه‌های خانوادگی و انزوای سالخوردگان، هماهنگ سازی آنان با شرایط جدید زندگی و بالاخره مسائل مربوط به تامین بهداشت و سلامت پیران مشکلات بسیاری را بوجود آورده است.

از چندی پیش در کشور ما نیز تامین رفاه پیران و افراد کم درآمد یکی از مسائل مهم روز شده است که قبل از اتخاذ هر نوع تصمیم عجولانه‌ای نیازمند بررسی‌های بسیار دقیق علمی است. گرچه همیشه گروهی از پیران عملاً "از کم درآمدترین افراد جامعه‌اند لیکن در یک اقدام و برنامه ریزی علمی آنهم در حوزه‌ای این چنین بزرگ باید سن پیران و افراد کم درآمد جامعه مخصوصاً "بجهت تفاوت‌های اساسی در طبیعت مساله، نوع نیازها و نحوه" تامین آنها قائل به تفکیک شد.

درست است که، بهبود وضع معشیت و بهداشت امکان رسیدن به مرحله پیری را بیش از پیش فراهم می‌سازد لیکن توجه به این مساله تنها از دیدگاه سیر تحول زندگی فردی بسیار کوتاه بینا نه است. اگر امروزه در کشورهای بزرگ صنعتی نظیر آلمان، فرانسه، ایالات متحده، انگلستان، بلژیک و کشورهای اسکاندیناوی مساله پیران بصورت یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی قرن درآمده است سبب آنست که این مساله بظاهر ساده و معمولی ریشه‌های عمیق اجتماعی دارد که باید آن را مخصوصاً "در روندها و سیاست‌های جمعیتی این ممالک جستجو کرد.

اهمیت مساله بقدری است که بخش امور اجتماعی سازمان ملل متحد یکی از نخستین مطالعات خود را در سال ۱۹۵۶ به بررسی "سالخوردگی جمعیت و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن" (۱) اختصاص داد و به موازات آن تقریباً "در همه کشورهای پیشرفته نیز کمیسیون‌های خاصی به مطالعه این مساله پرداخته است که مطالعات انجمن سلطنتی انگلیس، کمیسیون عالی بررسی مشکل پیران در فرانسه (۲)، کمیسیون ویژه کاخ سفید ایالات متحده آمریکا (۳) بررسی‌هایی که در آلمان، دانمارک، سوئیس و روسیه شوروی صورت گرفته است (۴) از

آن‌ها به شمارست .

اگر بخواهیم چکیده این مطالعات را در یک جمله خلاصه کنیم باید بگوئیم که کاهش میزان موالید و پائین بودن آن در یکدوره دراز مدت عامل اصلی سالخوردگی جمعیت بوده و هست و بهبود وضع بهداشت جامعه نیز نقشی بسیار جزئی و ثانوی در این امر دارد .

متأسفانه این موضوع کمتر مورد توجه مسوولان سیاست جمعیتی کشورهای در حال رشد قرار گرفته‌است . اگر سالخوردگی جمعیت و مشکلات اقتصادی و اجتماعی توان فرسای ناشی از آن از ویژگیهای کشورهای پیشرفته امروزی است در آینده‌ای نه چندان دور مالکی نظیر ایران نیز که به کنترل موالید و کاهش سریع رشد جمعیت می‌اندیشند در معرض این مشکل بزرگ اجتماعی قرار خواهند گرفت اگر در حال حاضر کمتر از ۴ درصد از جمعیت کشور را افراد ۶۵ ساله به بالا تشکیل میدهد و تعداد آنها بزحمت به یک میلیون و سیصد هزار نفر میرسد در کمتر از ۵۰ سال دیگر یعنی وقتی که رشد جمعیت بعلت اجرای برنامه تنظیم خانواده و موفقیت احتمالی آن از ۳/۲ درصد به ۱/۲ درصد در سال برسد نسبت سالخوردگان ۶۰ ساله به بالا به ۱۰/۷ درصد کل جمعیت کشور و تعداد آنها بالغ بر هشت میلیون و پانصد هزار نفر خواهد شد این رقم باید مورد توجه دقیق مسوولان رفاه اجتماعی قرارگیرد زیرا به تنهایی بیش از کل جمعیت اطریش در سال ۱۹۷۰ می‌باشد .

بعنوان مثال تعداد سالخوردگان ۶۵ ساله به بالا در ایالات متحده آمریکا که در حوالی سال ۱۹۷۰ نزدیک به ۲۰ میلیون نفر بوده‌است تا سال ۲۰۰۰ به بیست و نه میلیون نفر بالغ خواهد شد یعنی رشدی در حدود ۴۳ درصد خواهد داشت حال آنکه افزایش تعداد سالخوردگان ۸۴-۷۵ ، ساله این کشور در همین مدت ۶۵ درصد و حتی رقم مربوط به پیران ۸۵ ساله به بالا مسن‌ترین افراد نیز ۵۲ درصد خواهد بود که از رقم مربوط به کل افراد ۶۵ ساله به بالا حدود ۹ درصد بیشتر است .

گرچه توجه برفاه مادی پیران حائز کمال اهمیت است اما مشکل آنان تنها جنبه مادی

ندارد این گروه مسائل ویژه دیگری نیز دارند که باید در یک سیاست رفاهی مورد توجه قرار گیرد اما چون در روزهای اخیر از خانه سالمندان سخن به میان آمده و نظر برخی از مسوولان اجرائی نیز به آن معطوف شده است ناگزیر به بحثی اجمالی در این مورد می پردازیم:

کمبود مسکن از جمله مسائلی است که کمابیش مبتلابه همه کشورهای جهان است و گرچه در ایران نیز اهمیت آن از چند دهه پیش بخوبی شناخته شده است تا کنون نه اقدام قاطعی در این مورد صورت گرفته و نه سیاست دقیق و روشنی اتخاذ شده است و هر بار هم که نامین رفاه پیران مورد توجه قرار گرفته گروهی ایجاد خانه های سالمندان را تنها راه حل این مساله تصور کرده اند در صورتی که چنین راه حلی حتی در کشورهای غربی که پیران کمتر بارزندگی افراد دیگر را بدوش میکشند با شکست مواجه شده است تا جایی که حتی پیران گوشه نشین و سالخورده گان که تنها مسوول اداره زندگی خود شانند از اقامت در این نوع خانه ها امتناع می ورزند. (۵)

بررسی های مختلفی که در کشورهای توسعه یافته صورت گرفته نشان میدهد که گروه کثیری از پیران می خواهند حتی الامکان به زندگی مستقل خود ادامه دهند و گروهی دیگر تمایل بزندگی در میان خانواده اند و وعده های نیز می خواهند بهر ترتیبی که هست روابط اجتماعی خود را حفظ کنند (۶) مسلماً همه افراد مسن از لحاظ سلامت برابر نیستند و بین آنها افرادی وجود دارند که محتاج مواظبت های مستمر می باشند اما بجز این می توان گفت که مشکل مسکن برای همه آنها و حتی برای کسانی که مسکن شخصی دارند بگونه های مختلف مطرح است.

آنچه در باره خانه پیران باید گفت این است که از لحاظ روانی این نوع خانه ها در نظر پیران سمبل انزوا و نمونه گویای تمایل جامعه به طرد آنها ( شبیه تمایلی که جامعه برای طرد بیماران دارد ) تلقی میشود از این رو سالخورده گان همواره واکنش منفی در قبال این نوع خانه ها داشته اند و متأسفانه این نکته در همه بررسی های مربوط به مسکن پیران

در کشورهای مختلف نیز مشاهده شده است (۷) پل پایامدیر قسمت مربوط به مطالعه مشکل پیران در موسسه ملی مطالعات جمعیتی فرانسه که اخیراً " نیز از طرف سازمان ملل بریاست کمیسیون بررسی مشکل پیران در جهان برگزیده شده است می‌گوید " با اینکه رفتار پیران در قبال مسالۀ مسکن بر حسب سن تغییر میکند اما علاقه‌ای که همیشه افراد مسن‌تر زندگی در خانه خود نشان می‌دهند تغییر ناپذیرست " شاید این امر تا حدودی ناشی از نیازی است که به مواظبت بیشتر احساس می‌کنند و بهمین دلیل از اقامت در خانه پیران اکراه دارند .

این خانه‌ها در کشورهای اروپائی نخست با عنوان خانه بازنشستگان تاسیس شد و رفته رفته بشکل خانه پیران درآمد و علاوه بر بازنشستگان گوشه نشینان و سالخوردگانی را هم که بعللی نمی‌توانستند در بین خانواده هایشان زندگی کنند در خود جای داد و گرچه موسسات خدمات اجتماعی و بهداشتی بآن کمکهای بسیاری کردند و برنامه‌های ویژه بحث و بررسی برای جلوگیری از احساس تنهایی پیران ترتیب یافت ولی باز نتوانست محیط مطبوع و قابل تحملی برای آنان فراهم کند زیرا در این نوع خانه‌ها که به مثابه یک جامعه بسته ( جامعه‌ای که منحصر " از سالخوردگان تشکیل شده ) است نسبت مرگ و میر بسیار بالا است و در نتیجه افراد هرروز شاهد از دست رفتن دوست ، هم صحبت یا همسایه‌ای می‌گردند . و مشکل روانی احساس مبدل شدن به موجودی بی ثمر ، مطرود از اجتماع که در انتظار مرگ است بآسانی قابل تحمل نیست .

از این رو حتی در کشورهای غربی نیز که پایگاه اقتصادی و اجتماعی پیران بسیار بالاتر از کشور ما است روش‌های دیگری برای تعیین مسکن پیران در پیش گرفته شده باید گفت که از یک طرف عواملی چون توسعه سریع صنایع ، بالا رفتن سطح توقع عمومی ، تغییر و تحول عوامل اقتصادی و جنگ و خرابیهای ناشی از آن ، تحرک مکانی یا جابجائی افراد و بالاخره گسیخته شدن علقه‌های خانوادگی و دگرگونی نمودگارهای زندگی هر یک بنوعی بر مشکل اثر می‌گذارد و از طرف دیگر باستناد بررسی‌های بخش امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد (۹)

سالخوردگی جمعیت و تغییر و تحول عوامل مربوط به جمعیت نگاری ( دموگرافیک ) نقش اساسی تری در این مورد بازی میکند .

واقعیت این است که تامین مسکن پیران را نمی توان بصورت تجریدی و برکنار از نیازهای گروههای دیگر جامعه تحقق پذیر دانست ، بلکه بر عکس باید آنرا در متن یک سیاست کلی مربوط به مسکن در نظر گرفت و از زوایای گوناگونی بدان نگریست .

در مناطق روستائی ایران ایجاد خانه سالمندان یا مساکن گروهی برای سالخوردگان اقدامی بیهوده است . در محیطی که پیران بشدت بزندگی خانوادگی وابسته اند و کشاورزی و بهره برداری از زمین مهمترین رشته از فعالیت اقتصادی را تشکیل میدهد همه جا می توان نشانه های یک زندگی پدرسالاری سنتی را مشاهده کرد . در چنین جوامعی داشتن یا مالکیت خانه صرف نظر از چگونگی آن حتی برای رئیس خانواده یک وظیفه محسوب میشود و منزلت اجتماعی او را بالا میبرد چنانکه در سال ۱۳۴۵ حتی بیش از ۸۷ درصد از بیکاران و ۸۲ درصد از مردان غیر فعال جامعه روستائی کشور که با احتمال قوی اکثریت آنان را سالخوردگان تشکیل میداده است مالک خانه های مسکونی خود بوده اند حال آنکه این ارقام مثلا " در شهر کرج به ترتیب از ۳۰/۸ درصد و ۵/۵ درصد تجاوز نمی کرده است . از این رو کاملاً منطقی است که در نواحی مذکور کوشش اصلی صرف بهبود وضع مسکن و تبدیل زاعه ها به منازل گردد که از حداقل وسائل رفاه و اصول فنی و بهداشتی برخوردار باشد . تهیه مصالح ساختمانی و قرار دادن آنها در دسترس روستائیان با قیمتی مناسب می تواند قدم اول در این راه محسوب شود . همچنین می توان از طریق کمکهای فنی و مالی افراد را به بازسازی مساکن خود مخصوصاً در سالهایی که محصول و درآمد روستائیان زیادتر است تشویق کرد و نوعی نهضت ساختمانی بوجود آورد و به موازات آن با تجدید نظر در بودجه عمران روستائی سهم بیشتری را به نو سازی روستاها اختصاص داد .

اما در شهرها بویژه در شهرهای بزرگ با گذشت زمان حل مشکل مسکن پیران بمرحله

میشود تا جایی که ظاهراً " حل ناشدنی مینماید . از یک سوی صنعتی شدن که با شهرگرایی شدید همراه است و نیز تقلید از الگوهای زندگی غربی پیوندهای خانوادگی را از هم می‌گسلد و بر شماره پیران گوشه‌نشین می‌افزاید و از سوی دیگر افزایش سریع و سرسام آور قیمت مسکن و کاهش روز افزون قدرت خرید سالخوردگان مساله را وخیم تر میکند . برآستی باید پذیرفت که اگر افراد در بحبوحه کار و فعالیت خود نتوانسته باشند برای خود مسکنی تهیه کنند به هنگام پیری و بازنشستگی هرگز نخواهند توانست ، زیرا انجام این امر در چنین شرایطی واقعا " از حد توانائی آنان خارج است . در این جا است که اجتماع و مسوولان تامین رفاه آن باید درصدد یافتن راه حل منصفانه ای باشند تا آزادی فردی ، استقلال معنوی و نیازهای عاطفی سال فرسودگان را تامین نماید پس اینان را بفرزندان رها کردن و بارتوقعات آنان را مخصوصا " وقتی که در محیط خانوادگی عضوی سرباز تلقی میشوند به فرزندانشان تحمیل کردن گشاینده این مشکل نیست .

کشورهای غربی پس از تجربیات فراوان بالاخره به این نتیجه رسیده‌اند که خانه پیران ، مسکن دسته جمعی و همسکنائی با فرزندانشان هیچکدام چاره این درد نیست زیرا اکثر پیران ترجیح میدهند در چهار دیواری اختیاری به زندگی خود ادامه دهد و ایس نکته سخت مورد توجه طراحان سیاست تامین مسکن پیران در کشورهای پیشرفته امروزی قرار گرفته است و با تلفیق آن با ضروریات رفاهی و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کشور خودراه حلی یافته‌اند که هر چند هنوز مدت زمان زیادی از آن نگذشته ولی توفیق بسیار یافته است .

در دانمارک ساختن مسکن کوچک یک طبقه بصورت بخشی از مجتمع خانه‌سازی این کشور درآمده و در انگلستان نیز روش جدیدی که دولت نیز آنرا تأیید کرده ساختن خانه های کوچک یا اطاق هائی است که به تمام وسایل و تجهیزات لازم مجهز است . محل این خانه‌ها در نقشه کلی ساختمان طوری انتخاب شده است که حتی الامکان از انزوای پیران

جلوگیری شود این سیاست در سوئد و سوئیس نیز دنبال می‌شود. کمیسیون عالی بررسی مشکل مسکن پیران در فرانسه که بنام کمیسیون لاروک معروف است پس از بررسی‌های زیاد به این نتیجه رسیده‌است که علیرغم مدت کوتاهی که از ایجاد این نوع خانه‌ها می‌گذرد - عکس‌العمل روانی پیرانی که در این گونه منازل سکنی گزیده‌اند نشان می‌دهد که خانه‌های مذکور موجبات رضایت آنان را فراهم کرده‌است، اگر این سیاست در ایران هم موردقبال پیران قرار گیرد باید که خانه‌های مذکور مستقیماً "وسيله" وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری وزرات تندرستی و رفاه اجتماعی و دیگر سازمانهای مسوول دولتی ساخته شود زیرا با توجه به اینکه اصولاً "بخش خصوصی همواره به کسب بهره بیشتر در سرمایه گذاری‌ها می‌اندیشد لازم است که بخش عمومی چه مستقیماً چه از طریق اعطای اعتبار لازم با بهره بسیار کم و حتی در مواردی بدون بهره بانکی، تامین مسکن پیران را بعهده بگیرد و اقدامات خود را هماهنگ با روندهای جمعیتی و افزایش سریع تعداد سالخوردگان سرعت و اهمیت بیشتری بخشد.

گذشته از این لازم است که سیاست دوران‌پیشانه‌ای برای تامین مسکن سالخوردگان اتخاذ شود و از هم اکنون به افراد فعال هشدار داده شود که بفردا بیندیشند و کار تامین مسکن خود را به ایام پیری و بازنستگی نیفکنند، بی‌گفتگو هر نوع سیاست تشویقی در این مورد بیش از همه به نفع جامعه و مقامات مسوول است زیرا افراد در گرما گرم فعالیت اقتصادی خود یعنی دوره‌ای که درآمد و دستمزد زیادتری دارند و امه‌های مسکن خود را آسان ترمی پردازند.

بهر حال تامین مسکن پیران احتیاج بزمان و برنامه‌ریزی اصولی دارد از این رو در یکدوره کوتاه مدت یعنی تا زمانی که اقدامات اساسی به نتیجه برسد و این نیاز را کاملاً برآورده کند شاید بجای ساختن خانه پیران و اقداماتی نظیر آن، برقراری نوعی کمک هزینه مسکن تا حدودی از فشار موجود بکاهد و در این راه شهرداری‌ها می‌توانند و علی‌الاصول باید همکاری و همگامی بیشتری نشان دهند و مقامات محلی نیز با یافتن بهترین راه حل‌های ممکن نه تنها در قبال مشکل پیران بلکه در مورد همه مسائل اجتماعی باید نقش انسانی



و ارزنده خود را ایفا کنند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در سیاست مربوط به تامین مسکن پیران در ایران و مخصوصاً " در شهرهای بزرگ که هنوز وسایل نقلیه عمومی به نحو مطلوبی سازمان نیافته است باید این نوع مساکن در نزدیکی بازارها، مراکز بهداشتی و مذهبی ایجاد شود زیرا علاوه بر اینکه رفع نیازهای روزمره را تسهیل می‌کنند تقریباً " در همه کشورهای مسلمان و بویژه در ایران مساجد از مراکز مهم اجتماعی روزانه افراد سالمند محسوب می‌شود بنابراین باید از آن‌ها بعنوان مناسب‌ترین و بهترین وسیله جلوگیری از انزوای پیران و نیز بحث و بررسی مشکلات روزمره آنان و یافتن راه‌حل‌های ارزنده‌ای در جهت انطباق با شرایط زندگی همواره در حال تغییر و تحول امروزی استفاده کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مأخذ

1- Le vieillissement de la population et ses consequences economiques et sociales, New-York, Nations-Unies , 1955

2- GIRARD Alain: Demographie, problemes contemporains de - population.

Paris. CDU, 1969, 2fasc. 307p.

LAROUQUE Pierre : Les grands problemes sociaux contemporains. Paris. Institut d'Etudes politiques, 1966, 2 fasc, 407p.

3- New And World Repport. Washengton, 1971

4- SAUVY Alfred : Les limites de la vie humaine, Paris , Hachette

1967

Besoins et conditions des gens ages, Copenhague, Institut Danois de recherches Sociales , 1967.

5- Les habitudes perso  
Revue de la Gerontologie, n 3, 1972.

6- PAILLAT Paul : Sociologie de la vieillesse. Paris. PUF, 1971.

7- Les habitudes des personnes ages en habitat collectif Paris .

Revue de la Gerontologie, n 3, 1972.

8- "socalogie de viellesse

citadins ages

1969,1971

9- Le logoement des personnes ages troisieme confernce  
mondiale de la SISC,Ostende,1968.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی